

گزارش



بازاریابی، راهکار...

ادامه از صفحه ۵

کیان‌دخت ورنوس، رئیس شعبه ۳۳ تأمین اجتماعی غرب تهران بزرگ باذکر این مطلب افزود: «با توجه به سیاستگذاری سازمان مبنی بر پوشش گسترده بیمه فراگیر خانواده ایرانی و پیرو دستور سرپرست اداره کل تأمین اجتماعی غرب تهران بزرگ‌دراین شعبه کارگروهی تشکیل شد.» وی ادامه داد: «با همکاری معاونان و کارکنان در اولین قدم، آموزش شیوه‌های ارتباطی بازاریابی برای کارکنان و اهمیت آن تشریح شد. در گام دوم سعی کردیم باارتباط با جامعه هدف (کارفرمایان، بازنشستگان و بیمه‌شدگان) مشخص کنیم چه گروهی را می‌توان تحت پوشش بیمه‌های خاص قرار داد.» ورنوس یکی از راه‌های مهم بازاریابی پوشش بیمه‌ای را مذاکره و گفت‌وگو با کارفرمایان یا نمایندگان شرکت‌ها دانست و تأکید کرد: «قطعا با برقراری ارتباط کلامی و تشریح اهمیت بیمه برای خانواده‌ها، حس امنیت، آرامش و امید به آینده که در فلسفه تأمین اجتماعی نهفته است، به آنها انتقال می‌یابد.»

اساس جذب گفت‌وگو و مذاکره است

مهدی گروسی طاووسی، رئیس شعبه یک تأمین اجتماعی غرب تهران بزرگ نیز با اشاره به فعالیت کارگروه این شعبه گفت: «با توجه به ظرفیت بالایی که برای جذب و مشارکت بیمه‌شدگان خاص به لحاظ اینکه مراکز دانشگاهی دولتی مهمی در محدوده شعبه وجود دارد، ارتباط و تعامل با نخبگان، اساتید و دانشجویان را دستور کار قرار دادیم؛ چراکه ارتباط با نخبگان و برگزاری جلسات با مسئولان و اقشار مختلف مردم نقش بسیار تعیین کننده‌ای در جذب بیمه‌شدگان خاص دارد.» وی تأکید کرد: «اساس جذب پوشش بیمه‌ای خاص گفت‌وگو و مذاکره است. البته در انتقال این پیام نمی‌توان از نقش شیوه‌های ارتباطات رسانه‌ای تبلیغاتی نیز غافل شد.» گروسی اهمیت پوشش بیمه خانواده ایرانی را در مخاطب‌شناسی و جمعیت‌شناسی و بررسی منطقه جغرافیایی تحت پوشش شعبه دانست و افزود: «پس از تشکیل کارگروه پوشش بیمه فراگیر خانواده ایرانی؛ آموزش بازاریابی و نحوه ارتباط با مخاطبان در کارگروه مورد بحث و تبادل نظر قرار گرفت.» وی بی‌اطلاعی بسیاری از مخاطبان نسبت به پوشش بیمه‌ای خاص را ضعف در اطلاع‌رسانی‌ها برشمرد و گفت: «هم‌اکنون همه‌نیازمند آن هستیم تا تبلیغات پوشش بیمه فراگیر از رسانه ملی (رادیو، تبلیغات همراه با اطلاع‌رسانی و آموزش) آغاز شود.» رئیس شعبه یک تأمین اجتماعی غرب تهران بزرگ توجه به بافت شعب را در بررسی جذب بیمه‌شدگان خاص بسیار مهم توصیف کرد و گفت: «شعبی داریم که ظرفیت بالایی از نظر فنی و درآمدی دارند و شعب دیگری داریم که بافت افراد تحت پوشش آن بر پایه مستمری‌بگیران است. همچنین شعبی که علاوه بر شرکت‌های معتبر، کارگاه‌های کوچک را نیز تحت پوشش خود دارد.

به طور قطع به نظر می‌رسد برای هر شعبه‌ای باید نسخه خاص آن شعبه نوشته شود و اگر شعبه‌ای نیز در فعالیت‌هایی موفق بود، نمی‌توان آن موفقیت‌ها را در سایر شعب تکرار کرد و تعمیم داد؛ چراکه معتمد هر شعبه، بافت جمعیتی و جغرافیایی و نیز سطح درآمد خاصی دارد که می‌تواند در تعیین شاخص‌ها بسیار مهم باشد.»



شما که حق رأی نداشتید؟

خیر!

اعضای آن شورا چه کسانی بودند؟

افرادی که به‌خاطر دارم آقایان غرضی، میر محمدی، محمدخان، نوربخش و چند نفر دیگر بودند.

پس از آن جلسه چه شد؟

بعد از تصویب بازگشت بانک رفاه و مالکیت صدرصدی سازمان تأمین اجتماعی بر آن، چون آقایان – که عرض کردم ناراحت بودند– پیشنهاد دادند که حکم رئیس بانک با پیشنهاد سازمان تأمین اجتماعی و تأیید وزیر اقتصاد و دارایی توسط مدیر عامل تأمین اجتماعی زده شود و رئیس جمهور وقت برای دلجویی انسان نیز با آن موافقت کرد. سرانجام پس از چند ماه، بانک رفاه به سازمان تأمین اجتماعی بازگشت و مرحوم جبار صابر خیابانی نیز به عنوان نخستین مدیر عامل بانک رفاه پس از انقلاب با حکم من منصوب شد.

تنها متعلق به سازمان تأمین اجتماعی است. منابع آن هم عمومی و متعلق به پس‌انداز بیمه‌شده‌ها است. این بانک به عنوان بازوی اقتصادی این سازمان تأسیس شده، اما آنها کوتاه نمی‌آمدند و به شدت هم در دولت نفوذ داشتند. در جلسه شورا ایهالی که با حضور رئیس جمهور بر گزار شد، من به عنوان موافق و دکتر نوربخش نیز به عنوان مخالف صحبت کردیم؛ بعد به دستور رئیس جمهور رأی‌گیری مخفی انجام شد و خود وی شخصاً آراء را شمرد و اعلام کرد با اختلاف یک رأی تصویب شد که «بانک رفاه به سازمان تأمین اجتماعی بازمی‌گردد». جالب آنکه بعد از اعلام نتیجه شمارش آراء، آقایان نوربخش و محمدخان به شدت اعتراض کردند و ناراحت شدند. رئیس جمهور نیز گفت یعنی من اشتباه شمردم و دروغ گفتم؟! آنها نیز گفتند ما جسارت نمی‌کنیم! هاشمی نیز در جواب پاسخ داد اگر جسارت نمی‌کنید، قبول کنید که نتیجه رأی‌گیری بوده است. او بر که‌های رأی را مجاله کرد و تحویل آقای میرمحمدی داد و گفت این موضوع محرمانه است و صورتجلسه کنید و هیچکس نباید آن را ببیند.

بعد از پیروزی شکوهمند انقلاب اسلامی در سال ۱۳۵۷، یکی از اقدامات مسئولان انقلابی وقت، تغییر مالکیت شرکت‌ها، نهادها و بانک‌ها بود. در این میان، بانک رفاه کارگران نیز – به رغم تأکید اساسنامه و اینکه تمام سرمایه و اندوخته آن متعلق به سازمان تأمین اجتماعی بود – از مالکیت این سازمان خارج و در اختیار وزارت اقتصاد و دارایی و بانک مرکزی قرار گرفت. در دوره مدیرعاملی مهدی کرباسیان بر این سازمان با رایزنی با رئیس‌جمهور وقت – مرحوم هاشمی رفسنجانی – مالکیت و مدیریت بانک رفاه به رغم مخالفت ۱۰۰ درصدی وزیر اقتصاد و دارایی و رئیس کل بانک مرکزی به سازمان تأمین اجتماعی بازگشت. با توجه به مسائلی که این روزها در رابطه با خصوصی‌سازی بانک رفاه کارگران مطرح می‌شود و موعد قانونی آن نیز به اتمام رسیده، به نظر می‌رسد مادر حال تجربه یک تجربه تلخ دیگری هستیم که به غیر از هزینه برای سازمان تأمین اجتماعی و بانک رفاه، سودی دربر نخواهد داشت. در بخشی از گفت‌وگوهایی که در قالب تاریخ شفاهی سازمان تأمین اجتماعی انجام شد، تلاش می‌شود موضوعات و مسائل هر دوره به‌تصویر کشیده شود تا تجربیات و اندوخته‌های دیروز چراغ راهی برای امروز و فردای سازمان باشد. به همین دلیل بخشی از گفت‌وگوی انجام شده با دکتر مهدی کرباسیان که شرایط و فضای حدود ۲۰ سال قبل را برای بازگشت مالکیت و مدیریت بانک رفاه به سازمان تأمین اجتماعی را به تصویر کشیده را بازخوانی می‌کنیم.

گفت‌وگو

بانک رفاه کارگران از بدو تأسیس کاملاً تحت مالکیت سازمان تأمین اجتماعی بود، نه مانند بانک‌های دیگر خصوصی بود، نه دولتی بلکه بانکی متعلق به سازمان تأمین اجتماعی با منابع بیمه‌ای کارگران و سایر بیمه‌شدگان به عنوان یک بانک عمومی غیردولتی بود. پس از دولتی شدن بانک، چگونه موفق به بازگرداندن آن به سازمان تأمین اجتماعی شدید؟

با پیروزی انقلاب اسلامی تمامی بانک‌ها بدون توجه به مالکیت، به اختیار دولت درآمدند. در آن زمان سه نوع بانک از نظر مالکیت وجود داشت؛ اول بانک‌های دولتی مانند سپه و ملی؛ دوم بانک‌های خصوصی مانند صادرات و بازرگانان و در دسته سوم بانک‌های دولیتی ایران و انگلیس و همچنین ایران و هلند جای می‌گرفت. بعدها یکسری از بانک‌ها با هم ادغام شدند؛ مانند بانک‌های ملت و تجارت که از ادغام هفت یا هشت بانک به وجود آمدند. بانک رفاه نیز از نوع مالکیت در این گروه نبود؛ نه دولتی بود، نه خصوصی، اما دولتی شد. هنگامی که من به سازمان تأمین اجتماعی آمدم بعد از مطالعه مدارک و شرایط تأسیس و... در یکی از دیدارهایم در سال ۱۳۷۲ گزارشی به رئیس‌جمهور وقت ارائه دادم مبنی بر اینکه این بانک بازوی اقتصادی این سازمان و برای کمک به بیمه‌شدگان؛ به ویژه کارگران است. مرحوم هاشمی نیز متقاعد شد و

مخالفان موضوع چه کسانی بودند؟

آقایان نوربخش رئیس بانک مرکزی و محمدخان وزیر اقتصاد و دارایی از مخالفان ۱۰۰ درصدی بودند و به هیچ وجه نیز کوتاه نمی‌آمدند.

استدلال آنان در این زمینه چه بود؟

آنها معتقد بودند با این کار حاکمیت ما در بانک‌ها از بین می‌رود و علاوه بر این، بانک‌های دیگر مانند سپه که مربوط به نظامی‌ها بود، انتظار استقلال دارند و به تبع آن می‌خواهند جدا شوند. من معتقد بودم این بانک‌ها اساساً دولتی هستند، اما بانک رفاه اصلاً دولتی نبوده و نیست و

یادداشتی از علی حیدری؛ عضو و نایب رئیس هیأت مدیره سازمان تأمین اجتماعی

قصه پر غصه بانک رفاه کارگران

ادامه از صفحه ۲

... قانون الحاق یک تبصره به ماده (۵) قانون اجرای سیاست‌های کلی اصل (۴۴) قانون اساسی: «ماده واحد – متن زیر به عنوان تبصره (۵) به ماده (۵) قانون اجرای سیاست‌های کلی اصل چهل و چهارم (۴۴) قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران و تبصره (۱) این ماده در بانک رفاه کارگران سی‌وسه درصد (۳۳ درصد) است. سازمان تأمین اجتماعی و بانک رفاه کارگران مکلفند حداکثر تا ۱۲ ماه نسبت به واگذاری سهام مازاد بر سی‌وسه درصد (۳۳ درصد) سازمان و اجرای سایر مفاد و تکالیف مرتبط با سیاست‌های کلی اصل چهل و چهارم (۴۴) قانون اساسی و انطباق عملکرد و اقدامات آن بانک با ضوابط اعلامی بانک مرکزی در خصوص نسبت مجاز سرمایه‌گذاری، اشخاص مرتبط و ذی‌نفع واحد اقدام کنند. آخرین صورت‌های مالی سالانه تلفیقی حسابرسی شده سازمان تأمین اجتماعی تا شش ماه پس از لازم‌الاجراء شدن این تبصره و برای سال‌های بعد تا پایان شهریورماه سال بعد انتشار عمومی می‌یابد. سقف رشد مانده بدهی سالانه سازمان تأمین اجتماعی با تعریف مالک واحد موضوع تبصره (۱) این ماده به بانک رفاه کارگران در سطح حداکثر (۱۰ درصد) علاوه بر رعایت سایر مقررات بانک مرکزی تعیین می‌شود.»

تضاد قانونی

این مصوبه یک تضاد شدید درونی دارد. یعنی به

موجب قانونی که قرار بود تصدی‌گری و بنگاهداری دولت را کاهش دهد، حکم به سلب مالکیت (غصب) و سلب مدیریت (معامله فضولی) از یک بانک غیردولتی داده و مالکیت و مدیریت بانک رفاه کارگران را به وزارت امور اقتصادی و دارایی داده است و در عمل تصدی‌گری و بنگاهداری دولتی را افزایش داده که این امر خود با سیاست‌های کلی اصل (۴۴) و قانون اجرای آن کاملاً مغایر است؟! اگر بخواهیم آنچه که بر بانک رفاه کارگران گذشته است و قصه پر غصه آن را مرور کنیم، گزاره‌ها و اماره‌های زیر به خوبی بیانگر این موضوع است:

۱- بانک رفاه کارگران که در حکم تأسیس آن یک «بانک تعاونی» بوده و یکی از سهامی عام‌ترین مجموعه‌های اقتصادی کشور بوده است و به میلیون‌ها نفر بیمه‌شده و مستمری‌بگیر تأمین اجتماعی تعلق داشته، سهواً و تسامحاً در سال ۱۳۵۸ در کنار بانک‌های خارجی و بانک‌های متعلق به سرمایه‌داران، مصادره و دولتی می‌شود و با تلاش متولیان وقت، طی دهه ۷۰ این اشتباه، تصحیح و مدیریت و مالکیت بانک رفاه کارگران به صاحبان اصلی آن یعنی به سازمان تأمین اجتماعی به صورت سه‌جانبه (کارگر، کارفرما و دولت) اداره می‌شد و می‌شود.

۲- بر اساس سیاست‌های کلی اصل (۴۴)، نهاد‌های عمومی غیردولتی از جمله سازمان تأمین اجتماعی می‌توانند تا ۸۰ درصد سهام شرکت‌های دولتی را تملک و مدیریت کنند و این نهاد‌ها از مصادیق مجاز برای خرید و تملک سهام و گذاری دولت هستند؛ لکن بعدها به موجب قانون اجرای سیاست‌های کلی اصل (۴۴) و اصلاحات چندباره آن، به غلط سازمان تأمین اجتماعی مشمول اصل (۴۴) و مکلف به واگذاری سهام خود شد و سقف تملک سهام به ۴۰

درصد محدود شده است (درمورد بانک رفاه کارگران ابتدا به ۱۰ درصد و سپس به ۲۳ درصد). ۳- در حالی که قانون اجرای سیاست‌های کلی اصل (۴۴) می‌بایستی منجر به کاهش تصدی‌گری دولت می‌شد، بر اساس تغییراتی که در این قانون طی سال‌های اخیر صورت گرفت؛ به‌ویژه تبصره‌های ماده (۵) آن، قرار است تصدی‌گری و بنگاهداری دولت افزایش یابد، اما از محل «مال غصبی» با «معامله فضولی»؟! یعنی اینکه مقرر شده است ۶۳ درصد سهام بانک رفاه کارگران، تحت تملک و مدیریت وزارت امور اقتصادی و دارایی قرار گیرد. ۴- طبق قوانین جاری و ساری فعلی (قانون بانکداری خارجی) یک تبعه کشور آمریکا یا انگولا می‌تواند ۹۹ درصد سهام یک بانک را در ایران را تحت تملک و مدیریت خود داشته باشد، اما ۴۵ میلیون نفر بیمه‌شده و مستمری‌بگیر سازمان تأمین اجتماعی نمی‌توانند مالک و مدیر بانکی باشند که از محل اندوخته‌های بیمه‌ای خودشان شکل داده‌اند، شاید بهتر باشد سازمان تأمین اجتماعی برود یکی از کشورهای کوچک و جزیره‌ای را بخرد و سهام بانک رفاه کارگران را به یکی از اتباع آن کشور خارجی متعلق به خود واگذار کند؟! ۵- در حال حاضر بسیاری از بانک‌های کشور توسط یک فرد یا یک نهاد، (Take over) شده و می‌شود (مثلاً بانک‌های مربوط به شهرداری، اما ظاهراً فقط و فقط مشکل نظام بانکداری کشور، همین بانک رفاه کارگران متعلق به میلیون‌ها نفر از بیمه‌شدگان و مستمری‌بگیران تأمین اجتماعی است. ۶- این نوشتار در پی تأیید تام و تمام عملکرد مدیران اسبق و سابق بانک رفاه کارگران و سازمان تأمین اجتماعی نبوده و نیست، اما بانک رفاه کارگران از ابتدا تاکنون همواره و حتی بیش از بانک‌های دیگر